



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

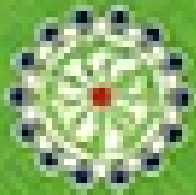
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



مجمع شورای عالی فقه اسلامی



در مکتب اهل بیت علیهم السلام

جلد ۴

سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

نویسنده:

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سجده بر تربت امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۲۷	پیشگفتار
۲۹	بحث اول: روایات سجده
۲۹	اشاره
۲۹	بخش اول: روایاتی که دلالت بر صحت بودن سجده بر زمین دارد
۳۵	بخش دوم: روایات سجده بر غیر زمین بدون داشتن هیچگونه عذری
۳۸	بخش سوم: روایات سجده بر غیر زمین به خاطر داشتن عذر
۳۸	اشاره
۴۴	حرف آخر
۴۷	بحث دوم: برتر بودن سجده بر خاک
۴۹	بحث سوم: فضیلت تربت امام حسین (علیه السلام)
۵۳	بحث چهارم: علت اهتمام به سجده بر تربت امام حسین (علیه السلام)
۶۲	درباره مرکز

سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: شریفی، سیدعبدالهادی، ۱۳۸۶ - ق.

عنوان قرارداد: السجود علی التربه الحسینیه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: سجده بر تربت امام حسین علیه السلام [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، سیدعبدالهادی شریفی؛ مترجم حسین علی عربی؛ تهیه کننده اداره ترجمه معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اهل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۵۵۵ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اهل بیت علیهم السلام؛ ۴.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۴-۲.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: تربت حسینی

موضوع: *Torbat Hosseini

موضوع: تربت حسینی -- احادیث

موضوع: سجده

موضوع: *Sajdah

موضوع: سجده -- احادیث

شناسه افزوده: عربی، حسینعلی، ۱۳۴۹ - ، مترجم

شناسه افزوده: نصیری، امرالله ، ویراستار

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع). اداره ترجمه

شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۶۳/۲/ش ۴س ۱۳۹۳ ۳۰۴۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۷۹۱۱

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

سجده بر تربت امام حسين عليه السلام

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، سيدعبدالهادی شريفی

مترجم حسين علي عربي

ص: ۵

«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با

محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱

وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلّم و همیشگی دین مقدّس اسلام نیز بوده و هست و تحقّق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابر این بر مسؤلان و رهبران امت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزری و اعلان و تحقق کلمه توحید «لا اله الا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا أَلَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶ / ۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابوالعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صباغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، ساباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزاوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت - که در کتاب و سنت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.

مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

در شریعت اسلامی، «نماز» از ارکان دین است و اسلام آن را به صورت مطلوب و مرکب از ارکان، اجزا و شرایط، تشریح کرده است. شرط صحیح بودن آن نزد خداوند، به این است که با همه اجزای تشکیل دهنده اش بجا آورده شود.

بدون شك، «سجده» از ارکان نمازهای واجب و مستحب در اسلام می باشد بلکه می توان آن را از با فضیلت ترین اجزای نماز به شمار آورد؛ زیرا «سجده» از بارزترین مظاهر عبودیت و اطاعت و نهایت کرنش از سوی بندگان نسبت به خالق است و مؤمنان به واسطه سجده، بندگی خویش را به خداوند، اظهار می دارند.

«سجده» نمایانگر خواری و خضوع است و بدین جهت، خداوند آن را برای خویش قرار داده و به بندگانش اجازه نداده که برای غیر از ذات ربوبی او سجده کنند.

این مطلب در میان مسلمانان بسیار روشن و از ضروریات دین است که تنها باید برای خداوند سجده کرد و کسانی که این ضروری را منکر باشند، از دایره ایمان به خداوند، خارج هستند.

اما درباره چیزی که سجده بر آن جایز است، همه مسلمانان با مذاهب مختلف، بر «صحیح بودن سجده بر زمین و خاک، اتفاق نظر دارند»، بلکه سجده بر «خاک» بر اساس روایاتی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شده افضل است.

و ما در آینده بحث خویش را بر اساس کاوش و جستجو در روایات وارد شده دربارهٔ این که بر چه چیزی سجده صحیح است و بر چه چیزی صحیح نیست، متمرکز می‌کنیم تا دیدگاه شرع را در رابطه با نکات ذیل به دست آوریم:

یک: حکم سجده بر زمین و خاک آن.

دوم: حکم سجده بر رویدنیهای زمین که نه خوردنی اند و نه پوشیدنی.

سوم: روشن شدن سنت از بدعت با توجه به مضامین آیات و روایات.

چهارم: فضیلت سجده بر تربت امام حسین (علیه السلام) و بیان ویژگیهای آن، در ضمن سزاهتمام جمعی از مسلمانان به تربت امام حسین (علیه السلام) و این که چرا مَهر آن را جهت سجده نمودن، به همراه دارند، روشن می‌شود.

در این مورد، بحثهایی به ترتیب ذیل مطرح خواهد شد:

بحث اول: بیان روایات وارد شده در بارهٔ چیزهایی که می‌توان بر آنها سجده کرد.

بحث دوم: افضلیت سجده بر خاک.

بحث سوم: فضیلت تربت امام حسین (علیه السلام).

بحث چهارم: علت اهتمام به سجده بر تربت حسینی (علیه السلام).

اشاره

در این گفتار، روایاتی از صحاح ششگانه اهل سنت و سنن و مسانید نقل می شود که بیان کننده سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره چیزهایی است که سجده بر آنها صحیح می باشد. بر اساس این روایات، پیش می رویم و حاصل آن را به عنوان روش و سنت حقی که گریزی از عمل کردن به آن نیست اختیار می کنیم.

این روایات در سه بخش مطرح می شود:

بخش اول: روایاتی که دلالت بر صحیح بودن سجده بر زمین دارد

۱- پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

«زمین برای من سجدگاه و پاک کننده قرار داده شده است» (۱).

و در عبارت صحیح مسلم چنین آمده است:

«تمام زمین برای ما سجده گاه و خاک آن هنگامی که به آب دسترسی نداشته باشیم، پاک کننده قرار داده شده است» (۲).

ص: ۲۳

۱- (۱) - صحیح البخاری: ۱۱۳/۱؛ سنن الکبری، النسائی: ۳۲/۲.

۲- (۲) - صحیح مسلم: ۶۴/۲.

و در عبارت ترمذی از امام علی (علیه السلام)، عبد الله بن عمر، ابو هریره، جابر، ابن عباس، حذیفه، انس، ابو اسامه و ابوذر نقل شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«تمام زمین برای من سجده گاه و خاک آن پاک کننده قرار داده شده است» (۱).

در نقل بیهقی، این عبارت چنین آمده است:

«زمین برای من پاک کننده و سجده گاه قرار داده شده است».

و در نقل دیگر بیهقی، عبارت به شکل دیگری آمده است:

«زمین برای من پاک و سجده گاه قرار داده شده است و هر جا که وقت نماز فرامی رسید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) در همان جا نماز را به جای می آورد» (۲).

۲- پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ابوذر فرمود:

«زمین برای تو سجده گاه است، پس هر گاه وقت نماز فرار رسید، آن را به جای آور» (۳).

۳- ابن عباس می گوید:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر سنگ سجده نمود» (۴).

ص: ۲۴

۱- (۱) - سنن الکبری، بیهقی: ۲۱۲/۱، و ۴۳۳/۲.

۲- (۲) - سنن ترمذی: ۱۱۴/۲.

۳- (۳) - صحیح نسائی: ۲۷/۲.

۴- (۴) - مستدرک حاکم: ۱/۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۲، ۱۹۸، ۱۶۳؛ سنن ابی داود ۱/۱۴۴ و ۱۴۳؛ السنن الکبری: ۲/۱۰۲.

۴- ابو سعید خدری می گوید:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را با دو چشمان خود دیدم که اثر آب و گل بر بینی و پیشانی مبارکش پدیدار بود» (۱).

۵- رفاعه بن رافع در روایت مرفوع نقل می کند که: «(شخص نمازگزار) بعد از تکبیر سجده نماید و پیشانی خود را به زمین گذارد تا این که اعضا و مفصلها آرام و یکسان گردد» (۲).

۶- ابن عباس، انس و بریده با سند صحیح به صورت روایت مرفوع نقل می کنند:

«سه چیز جزء ستم می باشد: نماز گزار قبل از این که نمازش را تمام کند، پیشانی خود را پاک نماید...» (۳).

در نقل واثله بن اسقع عبارت چنین آمده است:

«نماز گزار، خاک پیشانی خود را پاک نکند، تا نماز را تمام نماید..» (۴).

۷- جابر بن عبد الله می گوید:

ص: ۲۵

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۱/ ۱۹۸، ۱۶۳ و ۲/ ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳؛ السنن الکبری: ۲/ ۱۰۴؛ سنن ابی داود: ۱/ ۱۴۴ و ۱۴۳.

۲- (۲) - السنن الکبری: ۲/ ۱۰۲.

۳- (۳) - السجود علی التربه الحسینیه، امینی: ۳۳؛ از صحیح مسلم: ۲/ ۲۲.

۴- (۴) - مجمع الزوائد: ۸۳ و ۸۴.

«همراه رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز ظهر را به جای می آوردم، به سبب گرمای زیاد، به اندازه یک مشت سنگ به دست می گرفتم تا سرد شود. سپس بر آن سجده می کردم» (۱).

و در نقل احمد آمده است:

«با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز ظهر را به جای می آوردیم، از شدت گرما مستی سنگ در میان دستم می گرفتم و سپس در دست دیگرم می گذاشتم تا سرد شود، سپس بر آن سجده می کردم» (۲).

و در عبارت بیهقی، این روایت چنین آمده است:

«نماز ظهر را با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به جای می آوردیم به سبب گرمای زیاد به اندازه یک مشت سنگ به دست می گرفتم تا سرد شود و هنگام سجده پیشانی خود را بر آن قرار می دادم» (۳).

بیهقی می گوید:

شیخ گفت: «اگر سجده بر لباس متصل به بدن، جایز بود، هر آینه سجده کردن بر آن از سرد کردن سنگ گرم در دست و قرار دادن آن برای سجده کردن، آسان تر است» (۴).

۸ - انس بن مالک می گوید:

ص: ۲۶

۱- (۱) - مسند احمد: ۳/۳۲۷.

۲- (۲) - مسند احمد: ۳/۳۲۷.

۳- (۳) - سنن الکبری، بیهقی: ۱/۴۲۹.

۴- (۴) - السنن الکبری: ۲/۱۰۵.

«در گرمای شدید با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز را به جای می آوردیم، هر کدام از ما سنگ گرمی را به دست می گرفت و هنگامی که سرد می شد، آن را بر زمین می گذاشت و بر آن سجده می کرد» (۱).

۹- خباب بن ارت می گوید:

«از گرمای سوزان و اثری که بر پیشانیها و کف دستها یمان می گذاشت به پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) شکایت نمودیم، اما آن حضرت به شکایت ما ترتیب اثر نداد» (۲).

۱۰- عمر بن خطاب می گوید:

«شب، باران بارید، برای نماز صبح که از خانه ها خارج شدیم، هر کدام از ما که از بیابان می گذشت، در پیراهن خود مقداری سنگ قرار می داد و بر آن نماز می خواند. هنگامی که پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) این امر را مشاهده نمود، فرمود: «چه زیرانداز خوبی است.» و این آغاز سجده بر سنگریزه ها بود» (۳).

ابو داوود از ابن عمر نقل می کند:

ص: ۲۷

۱- (۱) - السنن الکبری: ۱۰۶/۲.

۲- (۲) - السنن الکبری: ۱۰۷/۲، ۱۰۶؛ نیل الاوطار: ۲۶۸/۲.

۳- (۳) - السنن الکبری، بیهقی: ۴۴۰/۲.

«شبی، باران بارید و زمین خیس گشت، پس هر مردی در لباس خود سنگ به همراه می آورد و آن را بر زمین پهن می نمود...» (۱).

۱۱- عیاض بن عبد الله قرشی می گوید:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردی را دید که بر گوشهٔ عمامه اش سجده می کند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با دست اشاره کرد که عمامهٔ خود را بالا بکش و اشاره به پیشانی خود نمود» (۲).

۱۲- امام علی (علیه السلام) فرمود:

«هر کدام از شما که نماز می خواند، باید پیشانی خود را از عمامه نمایان گرداند» (۳).

۱۳- نافع گوید:

«عبد الله بن عمر هنگامی که سجده می کرد و عمامه بر سرش بود، آن را کنار می زد تا پیشانی اش را بر زمین بگذارد» (۴).

۱۴- «عباده بن صامت هر گاه به نماز می ایستاد، پیشانی را از عمامه نمایان می کرد» (۵).

۱۵- ابو عبیده گوید:

ص: ۲۸

۱- (۱) - سنن ابو داوود: ۷۵/۱؛ السنن الکبری: ۴۴/۲.

۲- (۲) - السنن الکبری: ۱۰۵/۲.

۳- (۳) - السنن الکبری: ۱۰۵/۲.

۴- (۴) - السنن الکبری: ۱۰۵/۲.

۵- (۵) - همان.

«ابن مسعود، نماز نمی خواند و یا سجده نمی کرد مگر بر زمین» (۱).

۱۶- «ابراهیم (هنگام نماز) بر بردی می ایستاد و بر زمین سجده می کرد. گفتیم بردی چیست؟ گفت: حصیر» (۲).

۱۷- صالح بن حیوان سبائی گوید:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردی را دید که عمامه را به پیشانی کشیده و بر گوانه اش سجده می کند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیشانی او را از عمامه نمایان کرد» (۳).

بخش دوّم: روایات سجده بر غیر زمین بدون داشتن هیچگونه عذری

۱- انس بن مالک می گوید:

«مادر بزرگ او یعنی ملیکه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای تناول غذایی که برای آن حضرت تهیه کرده بود، دعوت نمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن غذا میل نمود و فرمود: برخیزید تا با شما نماز را به جای آورم. انس گوید: حصیری که متعلق به ما بود، برداشتم. این حصیر بر اثر استفاده زیاد، سیاه گشته بود. بر آن آب پاشیدم، آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نماز ایستاد، من به همراه یتیم (ضمیره) پشت سر آن حضرت به صف ایستادیم و پیر زن پشت سر ما ایستاد، ...» (۴).

ص: ۲۹

۱- (۱) - مجمع الزوائد: ۵۷/۲.

۲- (۲) - همان.

۳- (۳) - السنن الکبری: ۱۰۵/۲؛ نصب الرايه الزیلعی: ۳۸۶/۱.

۴- (۴) - صحیح بخاری: ۱۰۱/۱؛ سنن نسایی: ۵۷/۲.

[روایت است که:] «امّ سلیم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در خواست نمود که به خانه اش بیاید و نماز بگذارد تا جایگاه نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان جایگاه نماز خویش برگزیند. آن حضرت به خانه او رفتند. امّ سلیم حصیری را برداشت، بر آن آب پاشید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن نماز به جای آورد و دیگران نیز با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز خواندند» (۱).

در روایت ابن ماجه چنین آمده است:

«یکی از عموهایم برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) غذایی تهیه کرد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: دوست دارم که در خانه من غذا تناول نموده و در آن نماز بخوانید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خانه او آمد. در خانه حصیری سیاه وجود داشت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) امر فرمود بر گوشه ای از آن آب پاشند، پس او و ما نماز خواندیم» (۲).

بیهقی در سننش روایت کرده است:

«پیامبر (صلی الله علیه و آله) خواب قیلوله را در منزل امّ سلیم انجام می دادند. امّ سلیم پوستی برای آن حضرت می گستراند (و چون هوا گرم بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرق می کرد). امّ سلیم عرق پیامبر (صلی الله علیه و آله) را می گرفت و آن را در عطر خویش می گذاشت و برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) خمره (سجّاده بافته شده از برگ خرما) می گستراند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر آن نماز می خواند» (۳).

ص: ۳۰

۱- (۱) - سنن ابن ماجه: ۲۵۵/۱.

۲- (۲) - سنن ابن ماجه: ۲۵۵/۱.

۳- (۳) - سنن بیهقی: ۴۲۱/۲.

همچنین در سنن بیهقی آمده است:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) بهترین مردم از جهت اخلاق بود. گاهی اوقات که وقت نماز فرامی رسید و آن حضرت در خانه ما بود، امر می کرد فرشی که زیر آن حضرت گسترده شده بود جاروب و آب پاشی شود، آنگاه به نماز می ایستاد و ما پشت سرش می ایستادیم و نماز را با آن حضرت به جای می آوردیم. فرش آنان از برگ درخت خرما بود» (۱).

در عبارت دیگری آمده است:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وارد خانه ای شد که در آن فحلی (حصیری) بود، پس قسمتی از آن را جاروب نمود و آب پاشید، سپس بر آن نماز خواند» (۲).

۲- ابن عباس می گوید:

«پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر خمره (سجاده ای از برگ درخت خرما) نماز می خواند» (۳).

۳- ابو سعید خدری می گوید:

«بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) وارد شد، آن حضرت را دیدم که بر حصیر نماز می خواند و بر آن سجده می کرد» (۴).

ص: ۳۱

۱- (۱) - سنن بیهقی: ۴۳۶/۲.

۲- (۲) - سنن بیهقی: ۴۳۶/۲.

۳- (۳) - صحیح ترمذی: ۱۲۶/۲.

۴- (۴) - صحیح مسلم: ۱۲۸/۲، ۶۲؛ سنن ابن ماجه: ۳۲۱/۱.

۴- میمونه (همسر پیامبر(صلی الله علیه و آله) می گوید:

«پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) نماز می خواند و من در کنارش بودم و گاهی لباس آن حضرت هنگام سجده به من می خورد. آن حضرت بر خمره ای نماز می خواند» (۱).

۵- ابن عمر می گوید: «پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) بر خمره نماز می خواند و بر آن سجده می کرد» (۲).

۶- ام سلمه (همسر پیامبر(صلی الله علیه و آله) می گوید:

«برای رسول خدا(صلی الله علیه و آله) حصیری بود که بر آن نماز می خواند» (۳).

۷- انس می گوید:

«پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله) بر خمره نماز می خواند و بر آن سجده می کرد» (۴).

بخش سوم: روایات سجده بر غیر زمین به خاطر داشتن عذر

اشاره

۱- انس بن مالک می گوید:

«هنگامی که با پیامبر(صلی الله علیه و آله) نماز می خواندیم، اگر بر اثر گرمای زیاد نمی توانستیم پیشانی خود را بر زمین قرار دهیم، لباس خود را بر زمین می انداختیم و بر آن سجده می کردیم» (۵).

ص: ۳۲

۱- (۱) - صحیح بخاری: ۱/ ۱۰۱؛ صحیح مسلم: ۲/ ۱۲۸؛ سنن ابن ماجه: ۱/ ۳۲؛ سنن نسایی: ۲/ ۵۷؛ سنن بیهقی: ۲/ ۴۲۱.

۲- (۲) - الاوسط طبرانی: ۱۸/ ۳۴۸؛ الکبیر: ۱۲/ ۲۹۲.

۳- (۳) - مجمع الزوائد: ۲/ ۵۷.

۴- (۴) - مجمع الزوائد: ۲/ ۵۷.

۵- (۵) - صحیح البخاری: ۱/ ۱۳۷.

و در عبارت بخاری آمده است:

«با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز می خواندیم، برخی از ما بر اثر گرمای زیاد، گوشه لباس خود را در مکان سجده قرار می دادند».^(۱)

عبارت مسلم نیز چنین است:

«در گرمای زیاد، با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز را به جای می آوردیم، اگر یکی از ما قادر نبود پیشانی خود را بر زمین بگذارد، پیراهن خود را پهن می کرد و بر آن سجده می نمود».^(۲)

و در عبارت دیگر آمده است:

«هنگامی که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز می خواندیم، بر اثر گرمای زیاد، گوشه لباس مان را در جای سجده قرار می دادیم».^(۳)

شوکانی می گوید:

«این روایت، دلالت بر جواز سجده بر لباس، به جهت ایمن ماندن از گرمای زمین دارد و از آن استفاده می شود که اصل در سجده تماس مستقیم (پیشانی) با زمین است؛ زیرا گستردن لباس، مشروط و معلق بر عدم توانایی شده است و به این روایت استدلال شده بر جواز سجده بر

ص: ۳۳

۱- (۱) - صحیح البخاری: ۱۰۱/۱.

۲- (۲) - صحیح مسلم: ۱۰۹/۲.

۳- (۳) - صحیح بخاری: ۱۰۱/۱؛ صحیح مسلم: ۱۰۹/۲؛ سنن ابن ماجه: ۳۲۱/۱؛ سنن ابوداود: ۱۰۶/۱؛ سنن دارمی: ۳۰۸/۱؛ مسند احمد: ۱۰۰/۱؛ السنن الکبری: ۱۰۶/۲.

لباسی که نماز گزار پوشیده است. نووی می گوید: ابو حنیفه و جمهور فقهای اهل سنت به آن قایل هستند» (۱).

۲- انس بن مالک می گوید:

«هنگامی که ظهر، پشت سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز می خواندیم، به جهت ایمن ماندن از گرما بر لباسها یمان سجده می کردیم» (۲).

سندی می گوید:

«الظهائر (ظهرها) جمع ظهره است و آن شدت گرمای نیمه روز است. این روایت دلالت دارد بر این که جایز است نماز گزار بر لباسی که پوشیده سجده نماید، چنان که فقهای اهل سنت قایل به آن هستند. و روایتی از ابن عباس نقل شده: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را دیدم که نماز را به جای می آورد و بر لباسش سجده می کرد بر این وجه حمل می شود» (۳).

حسن می گوید:

«مردم بر عمامه و کلاه سجده می کردند و دو دستشان در آستینها یشان بود» (۴).

در برخی از کتابها روایتی آمده که فقها آن را بر این وجه حمل کرده اند، با این که به هیچ وجه بحثی از سجده بر لباس در آن وجود ندارد.

ص: ۳۴

۱- (۱) - نیل الاوطار: ۲ / ۲۶۸.

۲- (۲) - سنن ابن ماجه: ۲ / ۲۱۶.

۳- (۳) - الکبیر، طبرانی: ۱۱ / ۸۴.

۴- (۴) - صحیح بخاری: ۱ / ۱۰۱ باب السجود علی الثوب فی شده الحر.

ابن عباس می گوید:

«هنگام صبح که هوا سرد بود، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را دیدم که با جامه سفیدی نماز می خواند و به وسیله آن، خود را ایمن می کرد که سرمای زمین به دستها و پا هایش نرسد».

این روایت در عبارت احمد (۱) چنین آمده است:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را در روز بارانی دیدم در حالی که هنگام سجده به وسیله جامه ای که بر تن داشت، از گل آلود شدن حفظ می کرد و هنگام سجده جامه بر زمین قرار می گرفت، نه دستان آن حضرت» (۲).

از ثابت بن صامت روایت شده که:

«رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در مسجد (قبیله) بنی عبد الاشهل، اقامه نماز نمود، در حالی که بر تن حضرت لباسی بود که خود را در آن پیچیده بود و دست خود را به آن می گذاشت تا او را از سرمای سنگها حفظ کند» (۳).

در نقل دیگری می گوید:

«پیامبر(صلی الله علیه و آله) را دیدم که دستهای خویش را هنگام سجده در لباسش قرار داده بود» (۴).

عبارت ابن ماجه هم چنین است:

ص: ۳۵

۱- (۱) - مسند احمد: ۲۵۴/۴.

۲- (۲) - و اخرجه ابو داوود: ۱۰۶/۱، و بیهقی در سنن: ۴۲۰/۲.

۳- (۳) - السنن الکبری، بیهقی: ۱۰۸/۲.

۴- (۴) - عمده القاری، عینی: ۱۱۸/۴.

«پیامبر(صلی الله علیه و آله) هنگامی که به سجده می رفت، دستهای خویش را بر لباسش قرار می داد» (۱).

شوکانی می گوید:

«روایت دلالت دارد بر این که برای حفظ و در امان ماندن با داشتن عذر، نمازگزار می تواند بر گوشه های لباسی که پوشیده سجده نماید، حال این عذر یا باران است، چنان که در روایت بود، یا گرما و سرماست؛ چنان که در روایت ابن ابی شیبیه بود. این روایت تصریح دارد بر این که جامه ای که پیامبر(صلی الله علیه و آله) بر آن سجده کرد، متصل به آن حضرت بود» (۲).

این توجیه، درست و بجا نیست؛ زیرا ظاهر روایت دلالت نمی کند مگر بر این که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خود را از سرمای زمین در امان نگه می داشت تا به دستها و پاهای مبارکش نرسد، در این روایت هیچ گونه اشاره ای به سجده و پیشانی ندارد. مضمون این حدیث مانند مضمون حدیث عایشه است. عایشه می گوید:

«هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز به جای می آورد، چیزی زیر پای خود نمی گذاشت مگر روزی باران بارید و پیامبر(صلی الله علیه و آله) زیر پای خود، پوستی گذاشت» (۳).

ص: ۳۶

۱- (۱) - سنن ابن ماجه: ۱ / ۳۲۱؛ السنن الکبری: ۲ / ۱۰۸؛ نصب الرایه: ۱ / ۳۸۶.

۲- (۲) - نیل الاوطار: ۲ / ۲۷۰ و ۲۶۹.

۳- (۳) - سنن بیهقی: ۲ / ۴۳۶؛ هیشمی روایت را به جهت بودن ابراهیم بن اسحاق ضبی، در اسناد ضعیف شمرده است (مجمع الزوائد: ۲ / ۵۷).

احمد، روایت مرفوعی را از مغیره بن شعبه نقل می کند که می گوید: «رسول خدا(صلی الله علیه و آله) نماز را روی پوست دباغی شده به جای می آورد، یا این که دوست می داشت که نماز بر پوست دباغی شده به جای آورد» (۱).

سند های روایت به طور کلی ضعیف است و در احکام مثل آن استدلال نمی شود. در سند این روایت، یونس بن الحارث وجود دارد که احمد در باره او می گوید:

«روایتهای او مضطرب است.» (۲)

عبد الله بن احمد می گوید:

«یک بار دیگر از احمد در باره یونس بن حرث سؤال کردم، در پاسخ به من او را ضعیف شمرد. ابن معین می گوید: روایتهای او بی ارزش است. و ابو حاتم می گوید: قوی نیست. نسائی هم می گوید: ضعیف است و بار دیگری گفت: قوی نمی باشد. ابن ابی شیبه می گوید: در باره او از ابن معین سؤال کردم؟ گفت: ما در گذشته او را به شدت تضعیف می کردیم. ساجی در باره او می گوید: ضعیف است لکن به دروغگویی متهم نمی باشد» (۳).

ص: ۳۷

۱- (۱) - سنن ابو داود: ۱/ ۱۰۶؛ سنن البیهقی: ۲/ ۴۲۰.

۲- (۲) - الجرح و التعديل ، رازی: ۲۳۷/۹

۳- (۳) - تهذيب التهذيب: ۱۱/ ۴۳۷.

در اسناد آن «ابو عون عبيد الله بن سعيد ثقفى كوفى» وجود دارد. ابو حاتم در كتاب جرح و تعديل در باره او به فرزندش مى گويد: «مجهول است». (۱)

و ابن حجر مى گويد:

«حديث او از مغيره مرسل است». (۲)

اشكال ديگر اين است كه: متن روايت نسبت به سجده و حكم آن ساكت است و تلازم بين نماز خواندن بر پوست (حيوان) و سجده بر آن، منتفى مى باشد.

حرف آخر

اينها تمام رواياتى است كه به صورت مرفوع و موقوف در صحاح و مسانيد، در باره آن چيزى كه سجده بر آن جايز مى باشد، آمده است و روايتى وجود ندارد كه در اين جا نقل نشده باشد. اين روايات به روشنى دلالت دارد كه اصل در سجده «هنگام قدرت و امكان، زمين مى باشد» و در باره آنچه از رويدنيهاى آن درست مى شود، به روايات خمره (سجد گاه كوچك؛ مهر)، فحل (حصير سياه) و حصير، تمسك مى كنيم كه پيروي از آنها به هنگام فقدان عذر، اجتناب نا پذير است، اما در حال عذر و عدم تمكّن از زمين و آنچه از آن مى رويد، سجده بر لباس متصل

ص: ۳۸

۱- (۱) - تهذيب التهذيب: ۱۷/۷ رقم ۳۳.

۲- (۲) - فقهيات بين السنه و الشيعه، عاطف عبدالسلام: ۴۹.

جایز است، نه لباس منفصل از بدن؛ زیرا ذکر از آن در سنت نیامده است.

اما سجده بر فرش، قالی، فرشهای بافته شده از پشم گوسفند و شتر و حریر و مانند اینها و لباس منفصل از بدن، هیچ دلیلی وجود ندارد که سجده بر آنها را جایز بشمارد و در سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) هیچ گونه مستندی دال بر جواز آن وارد نشده است. در صحاح ششگانه - که متکفل بیان احکام دین و به خصوص نماز می باشند - یک حدیث و حتی یک کلمه که اشاره به جایز بودن سجده بر این موارد داشته باشد، وجود ندارد.

و همچنین در دیگر کتابهای اصول حدیث از مسانید و سنن، هیچ گونه اثر و روایتی اعم از مرفوع، موقوف، مسند و مرسل - که بتوان به آن در این زمینه استدلال نمود - وجود ندارد.

پس قول به جایز بودن سجده بر فرش و قالی و تقیید به آن و فرش کردن مساجد با آنها برای سجده کردن بر آنها - چنان که امروز مرسوم گشته - بی شک، بدعت و پدیده جدیدی است که مشروعیت ندارد و مخالف با سنت خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است «و هرگز برای سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت» (۱).

ابو بکر ابن ابی شیبہ که ثقة می باشد، به اسنادش از سعید بن مسیب و از محمد بن سیرین نقل می کند:

ص: ۳۹

«نماز بر جامه، پدیده جدیدی است و از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به سند صحیح روایت شده که فرمود: پدیده ها بدترین امور هستند و هر پدیده ای بدعت است» (۱).

ص: ۴۰

۱- (۱) - المصنف: ۱۲ به نقل از: سیرتنا و سنتنا: ۱۵۷-۱۵۶.

بحث دوم: برتر بودن سجده بر خاک

در روایات به «خاک آلود کردن صورت» امر شده است و اگر «امر» دلالت بر وجوب نداشته باشد، حد اقل دلالت بر فضیلت و مطلوبیت دارد. این جا روایاتی نقل می شود که امر به «خاک آلود کردن صورت در سجده» می کند که بدون هیچ گونه شکی برتر بودن سجده بر خاک از آنها استفاده می شود.

خالد جهنی گوید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) صهیب را دید که سجده می کند و مثل این که از خاک آلود شدن اجتناب نماید، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: ای صهیب! صورت خود را خاک آلود کن» (۱).

ظاهر این است که صهیب هنگام سجده از خاک آلود کردن صورت خود به وسیله لباسی که متصل به بدن و یا منفصل از آن بود، اجتناب می کرد. یا حداقل با سجده بر حصیر، بوری یا سنگهای صاف، از خاک آلود شدن پرهیز می کرد. بنابر هر تقدیر، این روایت، شاهی بر بهتر بودن سجده بر خاک در برابر سجده بر سنگ که روایات بر جایز بودن سجده بر سنگ، در برابر سجده بر غیر زمین، دلالت دارد.

ام سلمه می گوید:

ص: ۴۱

«پیامبر(صلی الله علیه و آله) خدمتکار ما را که افلح نام داشت - دید که هنگام سجده زمین را فوت می کرد، فرمود: ای افلح! خاک آلود کن» (۱).

و در روایتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) فرمود:

«ای رباح! صورت خودت را خاک آلود کن» (۲).

ابو صالح می گوید:

«بر امّ سلمه وارد شدم، سپس پسر برادرش وارد شد و دو رکعت نماز در منزلش به جای آورد. وقتی به سجده می رفت، خاک را فوت می کرد. امّ سلمه گفت: ای پسر برادر! فُوت نکن؛ زیرا من شنیدم که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به جوانی که به او یسار گفته می شد و خاک را فوت می کرد، فرمود: صورت خود را خاک آلود کن» (۳).

ص: ۴۲

۱- (۱) - کنز العمال: ج ۷، ص ۴۵۹، شماره ۱۹۷۷۶.

۲- (۲) - همان: ج ۷، ص ۴۵۹، شماره ۱۹۷۷۷.

۳- (۳) - همان: ج ۷، ص ۴۵۹، شماره ۱۹۸۰۹؛ مسند احمد: ص ۳۰۱۶، شماره ۲۵۳۶۰.

بحث سوّم: فضیلت تربت امام حسین (علیه السلام)

سرزمین کربلا مانند زمین مکه و مدینه با هاله ای از تقدیس و تعظیم احاطه شده است. روایات می گویند:

«امام علی (علیه السلام) هنگامی که از سر زمین کربلا می گذشت، به اندازه یک مشت از خاک آن را به دست گرفت، آن را بوید و گریه کرد تا این که زمین از اشکهای آن حضرت خیس شد (سپس) فرمود: از باطن این زمین، هفتاد هزار نفر محشور می شوند و بدون حساب وارد بهشت می گردند» (۱).

امّ سلمه می گوید:

«شبی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که مضطرب بود، به پهلو خوابید، سپس بار دیگر در حالی که مضطرب بود، به پهلو خوابید با حالتی غیر از آنچه اول دیده بودم، سپس (بار سوّم) به پهلو خوابید و در دستش خاک سرخی بود که آن را می بوسید. به حضرت گفتم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این خاک چیست؟ حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داد که حسین در سرزمین عراق کشته می شود. به جبرئیل گفتم: خاک زمینی که در آن کشته می شود به من نشان بدهد و این خاک آن جا است» (۲).

امّ فضل بنت حارث می گوید:

ص: ۴۳

۱- (۱) - مجمع الزوائد، هیشمی: ۱۹۱/۹.

۲- (۲) - مستدرک حاکم: ۳۹۸/۴؛ کنز العمال: ۱۰۶/۷؛ سیر اعلام النبلاء: ۱۵/۳؛ ذخائر العقبی: ۱۴۸.

«حسین (علیه السلام) در دامن من بود و بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدم. از نزدیک آن حضرت را دیدم که از دو چشمش اشک جاری بود. به ایشان عرض کردم: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! پدر و مادرم فدای تو باد! شما را چه شده است؟»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: جبرئیل به نزد آمد و مرا آگاه ساخت که امت من در آینده این فرزندانم را می کشند. ام فضل هراسان شد و گفت: این کشته می شود - و به امام حسین اشاره کرد - (پیامبر فرمود: آری و جبرئیل، خاکی سرخ از تربت او را برایم آورد) (۱).

عایشه روایت کرده است: «حسین بن علی (علیه السلام) بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد در حالی که به آن حضرت وحی می شد، (پس) خود را بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انداخت در حالی که آن حضرت جبرئیل گفت: ای محمد: آیا او را دوست داری؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: چرا فرزندانم را دوست نداشته باشم؟ جبرئیل گفت: بعد از تو امت، او را خواهند کشت. سپس جبرئیل دستش را دراز و خاک سفیدی را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورد و گفت: در این سر زمین - که نام آن طف است - این فرزندان کشته می شود. هنگامی که جبرئیل از نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفت، خاک در دست آن حضرت بود و می گریست، فرمود: ای عایشه! جبرئیل مرا آگاه ساخت که فرزندانم حسین در سر زمین طف کشته خواهد شد و امتم در آینده نزدیک بعد از من به فتنه خواهند افتاد. سپس آن حضرت با حالت

ص: ۴۴

گریه به سوی اصحاب خویش که در میان آنان علی (علیه السلام)، ابو بکر، عمر، حذیفه و عمار بودند - حرکت کرد. اصحاب به سوی آن حضرت آمده، گفتند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)! چه چیز شما را به گریه واداشته است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: جبرئیل مرا آگاه ساخت که فرزندم حسین بعد از من در سر زمین طف کشته خواهد شد. این خاک را برایم آورد و به من خبر داد که قبرش در آن خواهد بود» (۱).

ام سلمه روایت کرده است:

«حسن و حسین (علیهما السلام) در منزل من پهلوئی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بازی می کردند. جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد! امت تو این فرزندان را - و اشاره به امام حسین (علیه السلام) کرد - خواهند کشت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گریه کرد و حسین (علیه السلام) را به سینه اش چسباند در حالی که در دستش خاکی بود، شروع به بوییدن آن نمود و فرمود: وای از اندوه و بلا! (سپس) خاک را به ام سلمه داد و به او فرمود: اگر این خاک به خون تبدیل شد، بدان که فرزندم کشته شده است. ام سلمه خاک را در ظرف شیشه ای قرار داد و هر روز به آن نگاه می کرد و می گفت: روزی که تبدیل به خون شوی، روز بزرگی خواهد بود» (۲).

راویان ثقه و مورد اعتماد از علمای اهل سنت، روایات زیادی مانند این روایتها را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تکریم مکان مبارکی که بر

ص: ۴۵

-
- ۱- (۱) - مجمع الزوائد: ۱۸۷/۹ و در تهذیب الکمال، صفحه ۷۱ آمده که: پیامبر خاکی را که جبرئیل آورده بود، می بویید و گریه می کرد و می فرمود: «وای از اندوه و بلا!».
- ۲- (۲) - معجم کبیر طبرانی: ج ۳: ص ۱۰۸.

روی خاک آن، نوه و گل خوشبوی پیامبر(صلی الله علیه و آله) به شهادت خواهد رسید، روایت کرده اند، پس چه اشکالی دارد از خاک آن مکان، مُهری ساخته شود و تنها برای خداوند که شریکی ندارد بر آن سجده کرد؟!!

اوزاعی (استاد ابوحنیفه) هنگامی که قصد سفر از مدینه منوره را داشت، گلی از مدینه به همراه خود می برد تا بر آن سجده نماید. از عمل او سؤال شد، گفت:

«بهترین قطعه از زمین، زمینی است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در آن دفن شده است و دوست دارم که سجده من برای خداوند، بر روی آن باشد» (۱).

ص: ۴۶

۱- (۱) - هذه هي الشيعة باقر شريف قرشي: ۲۷۰-۲۶۷.

بحث چهارم: علت اهتمام به سجده بر تربت امام حسین (علیه السلام)

هدف از «سجده بر مُهر کربلا» بر دو اصل اساسی و با ارزش مستند می باشد:

اصل اول: نیکوست که نمازگزار برای نماز، خاکی را برگزیند که به پاکی آن یقین داشته باشد، دیگر فرقی ندارد که از چه زمینی باشد و یا از کدام بخش از زمینهای جهان؛ زیرا همه زمینها در جواز سجده مساوی اند و هیچ امتیازی از این جهت بر یکدیگر ندارند. در واقع سجده بر زمین پاک، مانند مراعات کردن پاکی لباس و بدن و مکان نماز از سوی نمازگزار است.

مسلمان باید برای خویش خاک پاکی را برگزیند که در وطن و در سفر بر آن سجده نماید، به خصوص در سفر؛ زیرا اطمینان به پاکی هر زمینی که در آن فرود می آید و آن را به عنوان سجدگاه می گزیند، ممکن نیست، پس از چه راهی به پاکی هر مکانی (از قبیل: شهرها، روستاها، مسافر خانه ها، کاروانسراها، منزلهای وسط راه، میدانها، جایگاه های مسافران، ترمینالها و منزلگاه غریبان) حکم کند؟! در حالی که در این مکانها هر انسانی - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - و گروه هایی از مردم که نسبت به دستورهای دینی در ارتباط با پاکی و نجاست بی تفاوت هستند، فرود می آیند.

پس چه مانعی دارد که مسلمانان در دین خویش، احتیاط کنند و همراه خود، خاک پاکی داشته باشند که هنگام نماز بر آن سجده کنند؛ به خاطر پرهیز از سجده کردن بر اشیایی پلید، نجس و کثیف؛

زیرا هرگز با بودن آنها تقرّب به خداوند به دست نمی آید. و بنابر سنّت پیامبر (صلی الله علیه و آله) سجده بر آنها جایز نیست و عقل سلیم هم آن را نمی پذیرد. (به خصوص) بعد از تأکید زیاد بر پاکی اعضا و لباس نمازگزار و نهی از نمازگزاردن در بعضی از مکانها مانند: آشغال دانی، کشتارگاه، قبرستان، کنار راه ها، حمام، خوابگاه شتران (۱) و دستور به تطهیر و پاک نمودن مساجد و خوشبو کردن آنها (۲).

انسانهای با تقوا و فقیهان گذشته در قرنهای اول به این نظریه عمل می کردند. مسروق بن اجدع (۳) از تابعین و فقهای بزرگ و مورد اعتماد همگان) در سفرهایش آجر خام (گل خشک) به همراه خود می برد و بر آن سجده می کرد. این روایت را حافظ ابو بکر بن ابی شیبه امام اهل سنّت و مورد اعتماد آنان با دو سند نقل کرده است:

ص: ۴۸

۱- (۱) - سنن ابن ماجه: ۱/ ۲۵۲.

۲- (۲) - همان: ۱/ ۲۵۶.

۳- (۳) - مسروق بن اجدع عبد الرحمن بن مالک همدانی ابو عایشه (متوفای سال ۶۲ هجری) از تابعین بزرگ است که از رجال صحاح ششگانه می باشد و از ابو بکر و عمر و عثمان و علی* روایت می کند: فقیهی است عابد و ثقه و نیکوکار. او از اصحاب ابن مسعود است که به مردم سنّت پیامبر را آموزش می داد و هنگامی که مرگش فرا رسید - چنان که در طبقات ابن سعد آمده - گفت: خدایا! از تو در خواست می کنم بر امری که پیامبر و ابو بکر و عمر آن را جز، سنّت قرار نداده اند، نمیرم. (تاریخ البخاری الکبیر: ۲/ ۳۵؛ طبقات ابن سعد: ۶/ ۶۰-۵۰؛ جرح و تعدیل ابن حاتم: ۱/ ۳۹۶؛ تهذیب التهذیب: ۱۰/ ۱۱۱-۱۰۹).

«هنگامی که مسروق به سفر می رفت، به همراه خود آجر خامی را می برد که در کشتی بر آن سجده کند» (۱).

اصل اولی نزد شیعه همین است و این اصل، پیشینه ای در زمان صحابه و تابعین داشته است.

اصل دوم: قاعده اعتبار اقتضای تفاضل و برتری برخی از زمینها، بر برخی دیگر است.

این قاعده می طلبد که آثار و حالات زمینها و دیدگاه ما نسبت به آنها مختلف باشد. این امر طبیعی و عقلی است و بین تمام ملتها جاری می باشد؛ زیرا زمینها و مکانها، با اضافه و انتساب، ارزش پیدا می کنند. با این ارزش و مزیت، مقررات خاصی در باره آنها جاری می گردد و احکامی از آنها انتزاع می شود که بی اعتنایی به آنها جایز نیست، مثلاً ساختمانها و بناها اگر منتسب به دربار پادشاهی باشند، به نام پادشاه شناخته می شوند و از شأن خاص و احکام منحصر به فردی برخوردار می شوند که مراعات آنها بر مردم ضروری است و همچنین پذیرفتن و اجرا کردن قانونهایی که در ارتباط با آنها وضع می شود.

همین امر در ارتباط با زمینها، و ساختمانها و شهرهای منسوب به خداوند، جاری می شود؛ زیرا اینها دارای اهمیت خاص، احکام دینی و لوازم و روابطی هستند که رعایت و مراقبت آنها بر کسی که ذات خویش را تسلیم خداوند نموده لازم است.

ص: ۴۹

به سبب همین اعتبار عمومی است که برای کعبه احکام خاصی وجود دارد و حرم از شأن منحصر به فردی برخوردار است. مسجد مکه و مدینه احکام خاصّ به خود را دارند. همچنین برای مساجد، معبدها، صومعه ها (محل عبادت راهبان) و کلیساها احکامی مانند رعایت حرمت، کرامت و پاکی و نجاست و ممنوعیت وارد شدن جنب و حائض به مساجد، نهی مؤکد از فروش آنها و احکام و حدود دیگر وجود دارد و این ناشی از انتساب آنها به خداوند متعال است.

مکه مکرمه به عنوان حرم امن قرار داده شده و مردم جهت انجام حج از راه های دور به سوی آن روی می آورند و انجام مناسک در آن، واجب گشته است.

همه این مقررات از باب انتساب و اضافه است و همین، سبب برگزیده شدن آن از سوی خداوند از بین تمام زمینهاست.

همچنین بر شمردن مدینه منوره به عنوان حرم الهی و قرار دادن احکامی در ارتباط با حرمت اهل آن و خاک آن و کسی که در آن فرود می آید و کسی که در آن دفن می شود، همه اینها به جهت اضافه و انتساب آن به خداوند است و به جهت این که مدینه پایتخت و اقامتگاه خاتم پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می باشد.

این اعتبار و قانون اضافه، اختصاصی به شرع ندارد بلکه امری طبیعی و مورد پذیرش اسلام است.

این اصل، تنها درباره برتری برخی از زمینها نسبت به برخی دیگر نمی باشد بلکه در همه موارد، برتری و تفاضل وجود دارد؛ مانند برتری دادن پیامبران، اوصیا، اولیا، صدیقین، شهیدان، مؤمنان و هر کسی که برای او یک نوع برتری نسبت به دیگری در اسلام قرار داده شده است.

این اصل، محور دایره وجود است که به وسیله آن هر چیز وجود پیدا می کند. و میل و رغبت نسبت به کارها به آن منتهی می شود و بخشها، و محبتها و علاقه ها و رابطه ها همه از این اصل وجود می آید.

در این باره سؤالهای ذیل قابل طرح است:

چه چیزی پیامبر(صلی الله علیه و آله) را واداشت که بر فرزندش امام حسین(علیه السلام) بگیرد و عزاداری بر پا نماید و خاک کربلا را ببوید و بر آن بوسه زند؟

چه چیزی ام سلمه همسر گرامی پیامبر(صلی الله علیه و آله) را واداشت که خاک کربلا را در کیسه ای قرار دهد و آن را به لباس خود ببندد؟

چه چیزی این امر را بر فاطمه زهرا(علیها السلام) روا داشت که تربت پاک قبر پدرش را بگیرد و آن را ببوید؟

چه چیزی امیر المؤمنین علی(علیه السلام) را واداشت که به هنگام فرود به سر زمین کربلا به اندازه یک مشت از خاک آن را بردارد و ببوید و بگیرد تا این که زمین از اشکهای آن حضرت خیس شود؟ و بفرماید: «از درون این زمین، هفتاد هزار نفر محشور می شوند و بدون حساب وارد بهشت می گردند».

و هیشمی می گوید:

«رجال حدیث، همه ثقه هستند» (۱).

بدین ترتیب، نزد انسانِ اندیشمند، آگاه و آزاد، سرّ فضیلت خاکِ کربلا و نیز انتساب آن به خداوند و تقدّس و حرمت آن و صاحبش از جهت قرب و نزدیکی به خداوند، کاملاً روشن می شود، پس نسبت به مقدّس بودن خاکی که آرامگاه کشته‌راه خدا و فرمانده سربازان بزرگ الهی - که جان خویش را در راه او نثار کردند - چه می پنداری؟

کربلا آرامگاه ولی خداوند و فرزند ولی اوست که دعوت کننده و راهنما و قیام کننده در راه خداوند می باشد.

کربلا- دیار کسی است که جان خویش و خانواده اش را قربانی راه خداوند نمود؛ کسی که برای بزرگداشت دین خداوند، گسترش توحید، استواری معارف الهی و دین، جانش را در کف گذاشت و تقدیم خدا نمود، پس چرا خداوند به او مباحثات ننماید و چگونه از خون او محافظت نکنند؛ زیرا وقتی که امام حسین (علیه السلام) خون خویش را به سوی آسمان انداخت حتی قطره ای از آن به زمین برنگشت (۲)؟

ص: ۵۲

۱- (۱) - مجمع الزوائد: ۱۹۱/۹.

۲- (۲) - تاریخ الشام ابن عساکر: ۳۳۸/۴؛ کفایه حافظ گنجی: ۲۸۴.

چگونه یاد امام حسین (علیه السلام) در زمین و آسمان جاودان نباشد، در حالی که محبت خداوند در تمام وجود و قلب او ریشه دوانیده است؟

آیا سجده در نماز های روزانه بر خاکی که این همه اهمیت دارد - آن هم به جهت تقرب به خداوند - بهتر و سزاوارتر از سایر زمینها و خاکها نمی باشد؟ بهتر از سجده کردن بر قالیچه و فرش و قالیهای بافتنی نمی باشد که در سنت هیچ گونه مجوزی برای سجده کردن بر روی آنها وجود ندارد؟

پس اگر کسی بخواهد به خداوند تقرب پیدا کند و جایگاه ویژه ای داشته، و خضوع و خشوع و عبودیت را داشته باشد، مناسب است که گونه و پیشانی را بر خاکی بگذارد که در باطن آن درسهایی دفاع از دین خداوند نهفته باشد.

با توجه به اسرار سجده بر زمین، آیا شاسته نیست بر خاکی سجود شود که در آن راز عزت، عظمت و جلال خداوند و رمز عبودیت و فروتنی در برابر او به روشن ترین مظاهر و علامات آن در آن وجود دارد؟

آیا سزاوار نیست که بر خاکی سجده شود که در آن دلایل روشن توحید و جان نثاری در راه خداوند وجود دارد؟ سجده بر خاکی که دعوت به مهربانی قلب و وجدان و شفقت، در آن وجود دارد؟

آیا سزوار و بهتر نیست که سجدگاه ما بر خاکی باشد که چشمه های خون در آن جاری شده و خود را به رنگ حَبِّ خداوند رنگین نموده و بر دوستی خالص الهی بنا شده است؟

و نیز بر خاکی که با خون شخصی مخلوط گشته که خداوند او را تطهیر و محبت او را پاداش رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) قرار داده است؟ این خاک با خون سید جوانان اهل بهشت، یادگار حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) در میان امتش آمیخته گشته است.

پس، بنا بر این دو اصل، ما مقداری از خاک درخشنده کربلا را به شکل مهر می سازیم و بر آن سجده می کنیم؛ چنان که مسروق بن اجدع، آجر خامی (گل خشک) از خاک مدینه منوره همراه خود برمی داشت و بر آن سجده می نمود. او از شاگردان مکتب خلفای راشدین و فقیه اهل مدینه و معلّم سنت نبوی بود و نمی توان او را متّهم به بدعت کرد.

راستی در کدام یک از این دو اصل، دشواری و بی راهگی وجود دارد؟ و کدام یک از آنها تضاد با دستورات قرآن و یا مخالفت با سنت خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) دارد؟ و کدام یک از این دو اصل ناشناخته و بدعت شمرده شده است؟ و کدام یک از آنها موجب خروج از حکم عقل و منطق و اعتبار می باشد؟

برداشتن خاک کربلا به عنوان سجدگاه در نزد شیعیان، واجب نمی باشد و در شرع و دین هم واجب نشده است و از اموری نیست که مذهب آن را الزام کرده باشد. هیچ کدام از شیعیان از جهت روا بودن سجده، فرقی بین

خاک کربلا و دیگر زمینها نمی گذارند، سجده بر خاک کربلا نزد آنان امری است که عقل آن را نیکو شمرده و برگزیدن آن برای سجده از باب بهتر بودن در نظر عقل و منطق و اعتبار است. بسیاری از شیعیان در سفر غیر از مهر کربلا از دیگر چیزهایی که سجده کردن بر آنها جایز است (مانند حصیر پاک و سجاده بافته شده از برگ خرما) به همراه خود می برند و در نماز هایشان بر آنها سجده می کنند (۱).

اضافه بر تمام مواردی که گذشت، روایات صحیح زیادی وجود دارد که نسبت به تبرک به این تربت پاک و بوسیدن و فضیلت سجده و اهتمام به آن از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است.

ص: ۵۵

۱- (۱) - سیرتنا و سنتنا، عبد الحسین امینی: ۱۶۷-۱۵۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

